

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره نهم - آذر ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۵

بررسی تشبیه در قصاید و غزلیات دیوان نظیری نیشابوری

(ص ۹۵-۷۳)

شاپور نورآذر^۲

تاریخ دریافت مقاله: اسفند ۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: اردیبهشت ۹۹

چکیده

نظیری نیشابوری بزرگترین غزلسرای دوره مغولان گورکانی و از شاعران بلند آوازه سده دهم و یازدهم هجری است اما آنگونه که شاید سسته این شاعر بزرگ است مورد توجه قرار نگرفته است. پژوهش پیش روی شگردهای بکارگیری گونه‌های تشبیه، بسامد آنها و نگرش نظیری نیشابوری به انواع تشبیه را به شیوه تحلیلی - توصیفی، از لحاظ شکل‌های هشتگانه تشبیه، محتوا، ارکان، مرکب و مفرد، طرفین تشبیه (حسی و عقلی) و درونمایه در غزلیات و قصاید نظیری مورد بررسی قرار داده است و تحلیل آماری و علمی از هریک از تشبیهات ارائه خواهد نمود تا معیارهای زیباشناسی شعر نظیری تبیین گردد.

کلمات کلیدی: نظیری نیشابوری - سبک هندی - تشبیه - غزلیات - قصاید

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- مربی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد پارس آبادمغان، دانشگاه آزاد اسلامی، پارس آباد مغان، ایران
(shapournourazar@iaupmogan.ac.ir)

Investigating simile in Neyshabouri's odes and lyrics

Shapour Nourazar^۱

Abstract

Naziri Neyshabouri is the greatest lyricist in the Gorkani Mogolan period and one of the most famous poets in the tenth and eleventh centuries AH. But it has not been taken into consideration as befits this great poet. The present study investigated the techniques of using kinds of simile, their frequency and Neyshabouri's attitude to different kinds of simile in analytical-descriptive manner, in terms of eight forms of simile, content, elements, compound and singular, both parties of simile (sensational and intellectual) and theme in Naziri's odes and lyric poems.

Statistical and scientific analysis of each of the similes will be presented to elaborate the aesthetic criteria of Naziri's poetry .

Key words: Naziri Neyshabouri, indian style, simile, lyrics, odes

^۱ - Instructor of Persian Language and Literature Department, Pars Abad Moghan Branch, Islamic Azad University, Pars Abad Moghan, Iran.
(shapournourazar@iaupmogan.ac.ir)

مقدمه

شاعران فارسی زبان در پایان قرن دهم برای فرار از تکرار، تجربه‌های جدیدی را در حوزه محتوا و لفظ آغاز میکنند تا سخن خود را از پیروی شیوه گذشتگان رهایی بخشند و افق‌های تازه‌ای را به روی شعر فارسی بکشایند. حاصل این تلاش‌ها در فاصله میان قرن دهم تا اواسط قرن دوازدهم هجری، شیوه و طرز نوی است که در سبک‌شناسی شعر فارسی به سبک هندی شهرت یافته است. اصالت لفظ یا اصالت محتوا و ترجیح هر یک بر دیگری که از مسائل مهم نقد شعر در ادوار مختلف بوده است در این دوره به صورت غلبه محتوا بر لفظ به ظهور میرسد.

در این شیوه گرچه توجه به محتوا، کفه معنا را نسبت به لفظ سنگین‌تر میکند، اما لفظ نیز از تحولات محتوا برکنار نمی‌ماند و از آن متأثر میشود، زیرا چنانکه پیداست در آثار ادبی زبان تابع تحولات نظام بزرگتری بنام ادبیات است و برای اشمال بر معانی جدید ناگزیر از دگرگونی است زیرا «ادبیات نظام خاص نشانه‌هاست، مشابه با هر نظام دلالت‌گونه دیگری چون زبان، هنرهای تجسمی، اسطوره، و... اما با تمام نظام‌های نشانه‌ای و هنرهای دیگر در یک نکته اصلی تفاوت دارند: ماده اصلی آن و ساختار بنیادیش زبان است.» (ساختار و تاویل متن، احمدی، ۱۳۸۰: ۵۱)

شاعران سبک هندی عمدتاً طرفدار معنی و مضمون و کشف معانی تازه و مضامین نو و باریک از مهمترین مشغله‌های ذهنی ایشان بوده است. کمتر دیوان شعری در این عصر می‌یابیم که صاحب آن از اندیشه یافتن مضمون تازه و معنی جدید فارغ باشد و این مضمون یابی در شعر آنان به وضوح انعکاس یافته است.

شگرد محسوس و نامحسوس کیمیای خیال‌پردازی و مضمون‌سازیهای هندی سرایان است که در واقع از سه عنصر بلاغی بهره میبرد: مراعات نظیر یا همان تناسب و تمثیل که میراث ادبیات عرفانی ماست و بن مایه.

استفاده از بن مایه باعث انسجام تصویری و در نتیجه انتقال سریع تر صورت خیال شاعر به مخاطب میشود و این رمزی است که آگاهانه یا ناآگاهانه شاعر طرز نو آن را شناخته است گرچه شیوه استفاده و نحوه بیان آن را نمیتوان به خیل همه شاعرانی که در حدود سیصد سال از تاریخ ادبیات فارسی ظهور کرده اند و ما شیوه آنها را با نام سبک هندی میخوانیم نسبت داد اما نظیری مشمول این تعاریف میشود به قول اسدالله حبیب « بجای یک خط افقی از آغاز سده دهم هجری، چندین خط عمودی کشیده شود مانند: خطی که زلالی، خواجه حسین ثنایی، جلال اسیر، شوکت بخاری و غنی کشمیری را به بیدل پیوند دهد و خطی که فغانی و شرف جهان و نظیری و عرفی و کلیم را به صائب و نعمت خان عالی پیوندد.» (دری به خانه خورشید، حبیب، ص ۱۳) و تشبیه تمثیل یا اسلوب معادله که اساس

سبک هندی به ویژه شاخه ایرانی آن « کلیم، صائب، طالب آملی، سلیم تهرانی » را تشکیل میدهد. اگرچه در شاخه هندی آن (بیدل، غنی کشمیری و...) نیز به وفور یافت میشود. صور خیال در شعر فارسی، شفيعی کدکنی، ص ۸۴) این نوع تشبیه پرمایه ترین و زیباترین نوع تشبیه است زیرا به علت تفصیل وجه شبه و برقراری پیوندهای متعدد بین مشبه و مشبه به تصویری گویا از مشبه ارائه میدهد. (زبان تصویر، فضیلت، ص ۴۶) ساختار بیت هندی چنین است که در مصراع‌ی مطلب معقول گفته میشود و در مصراع دیگر با تمثیل یا رابطه لف و نشری متناظر یا تشبیه مرکب آن را محسوس کنند همه هنر شاعر در این مصراع اخیر است. یعنی مصراع‌ی که باید معقول را محسوس کند و هر چه رابطه بین دو مصراع هنری تر و منسجم تر باشد، دلنشین تر است. رابطه بین دو مصرع به هر حال باید با تشبیه برقرار شود و سعی در این است که وجه شبه تازه باشد. در شعرهای سبک هندی، فهم هر بیت در گرو فهم رابطه نامرئی بین دو مصراع است. گاهی این رابطه نامرئی دو مصرع به یکدیگر نزدیک است بنابراین ذهن زودتر به کشف آن نائل میشود. (همان، ص ۵۳) نکته قابل توجه درباره شعر سبک هندی آن است که از میان قالب‌های شعری مختلف، غزل بیشتر مورد اقبال شاعران این دوره است، زیرا پرداختن به قصیده و مثنوی نیاز به ممارست و غور بیشتری در دوایین شعرای متقدم دارد از همین رو اختصاصات و ویژگیهایی که سبب تمایز سبک این دوره از ادوار قبل گردید بیشتر در قالب غزل قابل مشاهده است البته باید به این نکته اشار کنیم که قالب شعر سبک هندی تک بیت است نه غزل. بیت‌های سبک هندی، با نخ قافیه و ردیف به هم وصل شده و شکل غزل یافته اند. (زبان تصویر، فضیلت، ص ۵۱).

شاعر بزرگ در سبک هندی شاعری است که ذهن او بتواند مدام بین معقول و محسوس روابط تازه ایجاد کند از این رو میگویند شاعران سبک هندی مضمون ساز هستند یعنی موضوع را که عادی و غیر ادبی است تبدیل به مضمون میکنند که ظریف و هنری است. و این از رهگذر تشبیه امکان پذیر است در واقع میتوان گفت تشبیه اساس سبک هندی است. (سبک شناسی شعر، شمیسا، ص ۲۷۸)

طرح مساله

یکی از مباحثی که در علم بیان گستره وسیعی دارد و از نظر تعریف و انواع مختلف آن با اندکی تفاوت مورد اتفاق علمای علم بیان قرار گرفته، « تشبیه » است. « تشبیه را از صور خیال در شعر دانسته اند که در دوره‌های مختلف مورد اقبال و توجه شاعران بسیاری واقع شده و آنها با توجه به ذوق، عاطفه، اندیشه قوه خیال موفق به خلق گونه‌هایی از تشبیه شده اند در واقع میتوان گفت که « تشبیه بهترین ابزار برای بیان محاکات و تقلید از طبیعت و حقیقت نمایی است. » (بلاغت تصویر، فتوحی، ص ۳۰)

این مقاله در پی این ضرورت به دنبال پاسخ‌گویی به این سوالات است: وضعیت کمی و کیفی تشبیهات و انواع آن در دیوان نظیری چگونه است؟ تشبیهات مرکب و مفرد چه جایگاهی در دیوان نظیری دارند؟ آیا نظیری از مفاهیم انتزاعی و مجرد در سرودن شعر بهره برده است؟

پیشینه پژوهش

در باره نظیری و شعر او چندین مقاله نوشته شده است اما هیچ یک از آنها به بررسی تشبیه در غزلیات و قصاید وی اختصاص ندارد. از جمله مقاله «سیمای امام رضا در آیین شعر دعبل خزایی و نظیری نیشابوری» اثر علی اکبر چناری که در مجله کاوش نامه ادبیات تطبیقی چاپ شده است سه مقاله دیگر در فصلنامه مطالعات شبه قاره چاپ شده‌اند عبارتند از: «موسیقی بیرونی اشعار نظیری نیشابوری» اثر محمود عباسی، مقاله دیگر با عنوان: «نظیری شاعر سبک هندی و نیشابور» از رضا مصطفوی سبزواری، سومین مقاله از احمد رضایی با عنوان: «بررسی دستگاه مختصات زبانی قصیده ای از انوری و استقبال نظیری نیشابوری از آن» همچنین مقاله «بررسی زبان در غزل نظیری نیشابوری» از عصمت خوئی در مجله علوم ادبی به چاپ رسیده است.

شرح احوال نظیری نیشابوری

نظیری نیشابوری «اسمش محمد حسین اصلش از جوین، به سبب توطن در نیشابور از اهل نیشابور مشهور است.» (تذکره ریاض العارفین، هدایت: ص ۳۹۲) آوازه شهرتش در جوانی همه جا پیچیده بود که عزم سفر کرد و به کاشان روی آورد در این شهر با شاعران برجسته‌ای چون حاتم، رضایی، مقصودو... آشنا شد به قول عبدالباقی نهاوندی «... داد شاعری در آنها نهاده و این بیت از آن غزلهاست که در کاشان گفته: ز خود هرگز نیازم دلی را که می ترسم درو جای تو باشد.» (مأثر رحیمی، نهاوندی: ص ۱۱۵)

نظیری نیز در زمان خود به دنبال ممدوحانی میگشت که قدر شعر و شاعری را بشناسند از این رو به هند سفر کرد و از ممدوحان ایران اعراض نمود. وی مدتی در سند از ملازمان شیخ غوثی مندوی بود و نزد وی عربی و دانش دینی آموخت و چندی بعد تفسیر و حدیث را نزد حسین جوهری فرا گرفت.

نظیری از سوی خان خانان به اکبرشاه معرفی شد. پس از مرگ اکبرشاه (۱۰۱۴هـ) نظیری در دربار جانشین او «جهانگیر» که سخن شناس و دارای ذوق سلیم بود بار یافت. نظیری در اواخر عمر در گجرات رحل اقامت افکنده، منزلی پادشاهانه ساخت «...همیشه جمعی از اکابر و اصاغر در مجمع او حاضر بودند و هنگامه شعر و صحبت در منزل او به غایت گرم بود.» (تذکره عرفات العاشقین، اوحدی دقاقی بلیانی: ص ۳۹۶۸) و در سال ۱۰۰۲ به قول شبلی

نعمانی: «به سفر مکه رفت و کارش بدان پایه رسید که پادشاهی سخن شناس مانند جهانگیر او را به دربار خود طلب کرد.» (شعرالعجم، شبلی نعمانی: ص ۱۱۴)

نظیری شیعه دوازده امامی بود و در این مذهب، اعتقاد راسخ داشت، وی همچنین به عرفان و فلسفه اشراق گرایش داشت بطوریکه این موضوع در غزلهایش آشکار است « به سبب توسل و اعتقاد به خدمت درویشان و عارفان زمان، سخنانش اکثر به مذاق این طایفه خوش واقع شده، در پختگی و شکستگی و عذوبت و نزاکت و لطافت و روانی و بلاغت و فصاحت اشعارش هیچکس را مجال سخن نیست، دیوانش در همه جا مشهور و معروف است، غزلیاتش به سایر اشعارش امتیاز دارد.» (تذکره ریاض الشعرا، واله داغستانی، ج ۴، ص: ۲۲۸).

در سال وفات وی اختلاف نظر وجود دارد. میر فائز نطنزی داماد نظیری با شعر «ز دنیا رفت حسان العجم آه» سال وفات وی را ۱۰۲۱ ثبت کرده است. (کاروان هند، گلچین معانی، ص ۱۴۵۰) دکتر صفاتاریخ وفات نظیری را بین سالهای ۱۰۲۱ و ۱۰۲۲ و ۱۰۲۳ هجری قمری ذکر کرده است. وی در محله تاجپور و در مسجدی نزدیک خانه خود در احمدآباد گجرات ساخته بود دفن شد. (تاریخ ادبیات در ایران، صفا: ص ۹۰۳)

شعر نظیری

نظیری نیشابوری از شاعران پیشگام سبک هندی است البته شعر نظیری نشانه هایی از سبک های پیشین بویژه عراقی را در خود دارد و میتوان شعر نظیری را حد فاصل سبک عراقی و سبک هندی دانست سبکش بینابین است، نه عراقی صرف است و نه هندی به تمام معنا، در میان شاعران سبک هندی زبان خاص دارد و از سویی لطافت سبک عراقی در آثارش موج میزند. در انواع قالب های شعری اعم از قصیده، غزل، رباعی، مثنوی، ترکیب بند، ترجیع بند از خود توانایی نشان داده است. او در غزل زبانی ویژه دارد، نوآوری در ترکیب سازی، تصویرسازی و خیالپردازی، مضمون یابی و نکته پردازی سبب شده است تا شعر او اوج و اعتلایی خاص یابد. اشعار دیوان نظیری را ده هزار و دوازده هزار بیت ذکر کرده اند «... دیوانی دارد که تمامی ابیات آن از قصاید و غزلیات و ترجیع بند و رباعیات در حدود ده هزار بیت بوده و تنها غزلیات او که حدود پنج هزار بیت است در لاهور هند چاپ شده...» (ریحانه الادب، مدرس تبریزی: ۲۱۶)

نظیری نیشابوری از جمله شاعرانی است که با افزایش دادن ظرفیت های زبانی شعر خود توانسته است زبان فارسی را برای گنجایش معانی شعری فراوان این دوره آماده سازد. دکتر صفا درباره زبان شعری او میگوید: « ترکیبها و تعبیرهای نو فراوان دارد ... و در بیان اندیشه های خود یا در عرضه داشت احساساتش از آن ترکیبهای تازه و مخلوق خویش به نیکی استفاده میکند.» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ص ۹۰۰)

یکی از ویژگی‌های زبانی شعر نظیری ساختن ترکیبات انباشته از معنی است تا زگی این ترکیبها بیشتر به جهت آن است که ماحصل ترکیب در زبان فارسی سابقه ندارد. این ترکیبها گاه ترکیبهای وصفی و گاه اضافیند آنچه در این ترکیبها قابل توجه است طولانی بودن آنهاست شاعر برای فشرده کردن کلام خود، جمله‌ها و عبارتها را در قالب این ترکیبها می‌آورد تا بتواند در لفظ اندک، معنی فراوان را جای دهد.

چو کودک ز دبستان نفور می ترسم شب خمول ز بانگ موذن سحری
(دیوان: ص ۳۵۶)

یا

فارغ نمی شویم که در آب و خاک ما تخم هزار دل نگرانی نهاده ای
(همان: ص ۳۷۳)

و ترکیبهایی مانند :

سگ خانه زاد عشق (ص ۳۷۰) و گل باغ دل ما (ص ۴۵) و فغان آسمان گرد (ص ۳۵۵)
نازپرورد وصال (ص ۱۶)

نظیری برای وسعت دایره لغات شعر خود از واژگان و ترکیبات و اصطلاحات زبان محاوره استفاده کرده است البته قبل از نظیری سعدی نیز از این روش بهره برده است اما این امر در شعر نظیری بسامد بالایی و جز ویژگیهای سبکی شعر نظیری به حساب می‌آید. شبلی نعمانی درباره نظیری چنین مینویسد: «باید دانست که نظیری پیمبر اولولعزم این شریعت به شمار می‌آید او هزاران الفاظ و مفردات نوین و تراکیب جدید و تازه پدید آورده است. راست است این الفاظ از پیش موجود بوده اند اما در مواقع و مواردی که او از آنها به کار گرفته و یا به طریقه و روشی که او نمایش شان داده شاید این طور و بدین نحو نمایش داده نشده بودند.» (شعر العجم، شبلی نعمانی، ج ۳، ص ۱۲۱).

هر که تو ردش کنی مفت نگیرد کسبهم توبه هیچش بخر چون تو بها کرده‌ای
(دیوان: ص ۳۷۴)

از خوی تند و سرکشت کس ایمن و خشنود نه صدبار رنجیدی ز ما ما را گناهی بود نه
(همان: ص ۳۴۳)

نوآوریها و بدایع کار نظیری و تصویر زنده ای که در بیشتر غزلهای او به چشم می‌خورد از هر نظر قابل توجه و تعمق است: مانند این بیت که ضرب المثل شده است:

درس ادیب اگر بود زمزمه محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را
(دیوان: ص ۳۴)

با نگاهی گذرا به دیوان وی میتوان دریافت که تا چه پایه شیفته غزلهای لسان الغیب حافظ شیراز بوده است. نظیری حافظ را در شعر مقتدای خود دانسته و میگوید:

تا اقتدا به حافظ شیراز کرده ایم گردیده مقتدای دو عالم کلام ما
(همان: ص ۲۱)
او در شعر از انوری و خاقانی و نظامی و سعدی و حافظ و بابا فغانی تقلید کرده
است. (آتشکده آذر، آذربیکدلی: ص ۷۲۴)
از جمله قصایدی که نظیری از انوری استقبال کرده:
ای قاعدۀ تازه ز دست تو کرم را وی مرتبۀ نو ز بنان تو قلم را
(انوری: ۶)

که نظیری با مطلع :

چندی به غلط بتکده کردیم حرم را وقت است که از کعبه براریم صنم را
(نظیری: ص ۳۲۷)

استقبال کرده است.

بن مایه اصلی شعر نظیری مدیحه است و از رهگذر مدیحه سرایی ارتزاق میکرد اما در
شعر او ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی، دینی، تبلور خاصی دارد و این همه موجب
غنای زبانی او شده است.

لغات و اصطلاحات بی شمار صوفیه و الفاظ و تعبیرات علمی مختلف مانند صرف و نحو
و بلاغت، حساب و نجوم و طب و کلام و فلسفه در شعر شاعر به چشم میخورد استشهاد به
آیات و احادیث و نیز لغات و ترکیبات کثیر عربی و وفور نسبی امثال و اقوال و تعبیرات و
مأثورات دینی بسیار، به زبان شعر وی تشخیص سبکی خاصی داده است و سبک او را در میان
شاعران سبک هندی منحصر به فرد کرده است.

شبلی نعمانی و دیگر منتقدان برگ برنده نظیری نیشابوری و مهمترین ویژگی شعر او را
ملموس کردن احساسات و عواطف عنوان کرده‌اند. موضوع اصلی شعر نظیری، عواطف
واحساسات فردی و واقعی بشری است، اما شگرد منحصر به فرد او که به اندازه او در شعر
هیچ شاعر دیگری پیش از او دیده نشده است همین ملموس کردن احساسات و عواطف است
به گونه‌ای که احساسات و عواطفی که در شعر نظیری موج میزند، در عین اینکه در سر حد
فردیت و خصوصیت است کاملاً اشتراک پذیر است و مخاطب میتواند بطور کامل در درک
آنها سهیم شود.

نظیری که در میانه وقوع سرایان و طرز نو پردازان قرار گرفته است بنابراین شعرش هم
جزئی نگاری و بیان عاطفه های شخصی وقوعیان برخوردار است و هم از مضمون پردازی و
بدیع نگاری سبک هندیان.

شاعران وقوعی عموماً در پی ثبت لحظات واقعی، فردی و صمیمی عاطفی‌اند و شاعران
سبک هندی خیال ورز و مضمون پرداز هستند و نظیری هر دوی اینها را باهم دارد: نظیری

لحظات فردی و واقعی عاطفه را با زبانی نرم و سیال و تصاویر خیال با جوشش و حرارتی تاثیرگذار بیان میکند و شاید به همین دلیل موقعیت زمانی او در میانه دو شیوه است که نظیری را آتشین گفتار و استاد تجسیم و حسی سازی مفاهیم و احساسات کرده است:

آتشین گفتار خاکی پی‌یکرم قطعه باغ خلیل آزم
در دم احیای عیسی معجزم در ید بیضا موسی دفترم
(دیوان: غزل ۴۲۴)

در اهمیت کار او همین بس که شاعری همچون اقبال لاهوری به شدت تحت تاثیر سروده‌های اوست اقبال اشعار و مصراع‌های زیادی از نظیری را مورد تضمین و تمجید قرار داده است از جمله:

نظیری:

هر که نوشید می شوق تو، نیشانش نیست وانکه محو تو شد اندیشه حرمانش نیست

اقبال:

حکمت و فلسفه کاری ست که پایانش نیست سیلی عشق و محبت به دبستانش نیست
صائب نیز از جمله شاعرانی است که پیرو نظیری بوده است:
صائب چه خیال است شود همچو نظیری عرفی به نظیری نرسانید سخن را
(صائب: غزل ۱۲)

تشبیه در دیوان نظیری

صور خیال (تصویر) دارای مصادیقی است که مربوط به علم بیان است و آن عبارت از: تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه است. در میان صور خیال، تشبیه دارای بیشترین مصادیق است لذا تشبیه پرکاربردترین صوربیانی است. در واقع تشبیه هسته اصلی و مرکزی اغلب خیالهای شاعرانه است. صورتهای گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه، مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیا کشف میکند و در صور مختلف به بیان در می‌آورد. (سفر در مه، پورنامداریان، ص ۲۱۴)

در این باره ارسطو در فن شعر گفته است: «مشاهده تصاویری که شبیه اصل باشند موجب خوشایندی میشود، زیرا ما از مشاهده این تصاویر اطلاع و معرفت به احوال آن صورتهای پیدا میکنیم و آنچه را در صورتهای بدان دلالت هست در می‌یابیم مثل اینکه گوییم این تصویر فلانست و اگر خود موضوع تصویر را پیش از آن هم هرگز ندیده باشیم باز آن صورت نه از آن جهت که موضوع خود را تقلید میکنند، بلکه از آن لحاظ که در آن کمال صنعت بکار رفته

و یا از آن جهت که دارای رنگ دلپذیر هست و یا از جهاتی نظیر و مشابه اینها سبب خوشایندی خاطر ما میشود.» (فن شعر، ارسطو، ص ۲۶)
میتوان با مطالعه و بررسی دقیق اشعار شاعر به ظرافت طبع و نوگرایی و آوردن مضامین دلنشین، و قدرت تخیل و تصویرسازیهای زیبا، در قالب تشبیه های موجود در اشعار وی پی برد.

۱- تشبیه به لحاظ شکل

در کتب بیان برای تشبیه تقسیم بندیهای مختلفی وجود دارد کتاب بیان شمیسا تشبیه را به لحاظ شکل شامل تشبیه: ملفوف، مفروق، تسویه، معکوس، جمع، مقلوب، مضمّر، مشروط، و تفضیل میداند:

الف) تشبیه مفروق :

تشبیهی که تعدد آن در مشبه و مشبه به است به صورتی که هر مشبه در کنار مشبه به خود آید.

ز دست رفته مگر خاتم سلیمانم	قدی چو قامت دال و دلی چو نقطه جیم (دیوان: ص ۴۰۲)
نمی شود نکشم ناله و به سر نزنم	غمی چون کوه گران و تنی چون کاه نحیف (همان: ص ۲۲۰)
ملک چو کعبه و من چو حطیم در پایش	مقر بان چو نابش چو رکن های حطیم (همان: ص ۴۰۲)

ب) تشبیه تسویه:

تشبیه تسویه را تشبیه مزدوج نیز مینامند تشبیه تسویه تعدد در تعداد مشبه است این امر باعث شده است که شاعر چند مشبه را به یک مشبه به مانند کند.

چو لعبتجان خیالند آدمی و پری	به اختیار مشعبید کنند جلوه گری (همان: ص ۳۰۴)
ما و وفا درین شهر چون حسن تو غریبیم	او را عزیز کردی ما را غلام گردان (همان: ص ۲۷۱)
حیات و مرگ خود چون حاصل افسانه می بینم	شبم بیدار دارد روزها در خوابم اندازد (همان: ص ۱۱۹)
درد و غمت که همچو هما استخوان خورند	بر من مبارکند گرم مغز جان خورند (همان: ص ۱۲۶)

پ) تشبیه ملفوف:

و آن این است که طرفین تشبیه متعدد باشد به این طریق که نخست چند مشبه و سپس چند مشبه به بیاورند. (معانی و بیان، همایی، ص ۱۵۴)

ظه‌ور ذریت م‌صطفی ز صلب علی دان / که نسبت علی و مصطفی چو ماه و خور آمد
(همان:ص ۳۷۰)

۲- تشبیه به اعتبار ارکان

این نوع تشبیه بیانگر حذف یا حضور برخی ارکان تشبیه است بدین صورت که ارکان تشبیه (ادات و وجه شبه) ممکن است حذف شود یا در شعر وجود داشته باشند.

الف) تشبیه مفصل:

تشبیهی که وجه شبه در آن ذکر میگردد شاعر بنا به ابهام و تازگی تشبیه بر آن است که وجه شبه را در آن ذکر کند، که این امر مشاکت مخاطب در متن را کاهش میدهد. «
قدما تشبیه ساده و حسی را بیشتر میپسندیده‌اند و متأخران تشبیهات لطیف و نازک را» (صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی:ص ۵۸)

عیش دبار غربت چون برق در گذار است / نتوان به قید کردن ذوق گریز پا را
(همان:ص ۴)

شرح سودای دلم را سرو سامان مطلب / کار آنست که چون زلف تو درهم باشد
(همان:ص ۱۲۴)

بهش از شارع میخانه گذر / سرمست‌تان چو کدو افتادست
(همان:ص ۷۳)

بخشش خلق که بی فایده چو کار منست / مال دنیا ست که سرمایهٔ عصیان گردد
(همان:ص ۳۶۵)

این نوع تشبیه دارای بالاترین بسامد در دیوان است. این تشبیه در صفحات (۱۸۳-۱۹۷-۷۶-۸۶-۳۵۴-۳۶۰-۴۰۸-۳۸۹ و.....) نیز وجود دارد.

ب) تشبیه مجمل:

مهمترین بحث در تشبیه وجه شبه است زیرا «وجه شبه، مبین جهانبینی و وسعت تخیل شاعر است و در نقد شعر بر مبنای وجه شبه است که متوجه نوآوری یا تقلید هنرمند میشویم» (بیان، شمیسا، ص ۹۸) در قیاس با تشبیه مفصل، تشبیه مجمل، هنری تر و خیال انگیزتر است، زیرا ذهن مخاطب را برای کشف وجه شبه به کوشش و چالش میکشاند ولذتی مضاعف برای مخاطب بوجود میآورد.

فلک ز آه کنم همچو صفحهٔ تقویم / زمین ز اشک کنم همچو تختهٔ رمال
(همان:ص ۳۹۰)

به جنت سوز عشقش گر نباشد / شود بر مو من آب کوثر آتش
(همان:ص ۱۹۱)

این تشبیه در صفحات (۳۶۹-۳۶۳-۳۶۱-۱۵۹-۱۱۸-۱۳۴ و.....) نیز وجود دارد.

ج) تشبیه مرسل

تشبیهی است که در آن ادات تشبیه ذکر شده باشد اداتی مانند : چو، ماند، چنان. چون
گر نظیری به فلک بر شده باشد چو مسیح بیت معمور به از کلبه ویرانش نیست
(همان:ص:۵۹)

قلم در اختیار اوست من چون نقش موهومم گرم فرزانه می دارد گرم دیوانه می سازد
(همان:ص:۱۴۱)

شب فراق تو چندین جگر خراشیدم که همچو لاله سیه گشت ناخنم بر سنگ
(همان:ص:۳۸۴)

مانند کعبه گشته حرم چار حد او هر رکن خانه قبله یک رکن دیگرست
(همان:ص:۳۴۵)

این نوع تشبیه نیز دارای بالاترین بسامد در دیوان است.

د) تشبیه موکد یا محذوف الادات :

آن را « تشبیه استوار نیز نامیده‌اند» (نامه باستان، کزازی، ص ۳۷۷)
تشبیهی که در ادات در آن ذکر نشده باشد در اصطلاح علم بیان تشبیه موکد گویند.
ذکر نشدن ادات سبب دیریاب شدن طرفین تشبیه میشود و برای فهم تشبیه، خواننده به
کنکاش می‌افتد تشبیه موکد را یکی از عوامل فشردگی و ایجاز در زبان فارسی دانسته‌اند.
(درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد:ص:۱۳۵)

آنچه واضح است در حذف ادات که اندک اندک تشبیه را به استعاره نزدیک میکند عاملی
است برای پرتاثیر کردن و نیرو بخشیدن به تشبیه زیرا غرض از تشبیه عینیت بخشیدن به
دو چیز مختلف است یا بهتر یگوئیم عینیت بخشیدن است به دو چیزی که غیریت دارند و
چون ادات حذف شود عینیت بصورت محسوستر و دقیقتری نمایانده میشود. (صورخیال در
شعر فارسی، شفیع کدکنی، ص:۵۶)

لطف خلقتش عیب محتاجان بیو شد غم مخور بوریای فقر گردد بستر سنجاب ازو
(همان:ص:۲۷۹)

چرخ پرویزنسیست آتش بیز نه ممری درو نه جای گریز
(دیوان:ص:۱۶۴)

بیهوشی ام به جلوه گاه گلستان برد من بلبلم که نکهت گل هادی من است
(همان:ص:۷۸)

ما بید بوسستانیم، ما را ثمر نباشد مردود دوستانیم از ما بتر نباشد
(همان:ص:۱۰۳)

همچنین این تشبیه در صفحات (۳۳۰-۶۳-۹۳-۳۲-۱۰۳) نیز دیده میشود.

ه) تشبیه بلیغ

در این نوع تشبیه تنها مبدئه و مشبه به ذکر شده و گاهی نیز بهم اضافه شده اند، در این صورت ادات تشبیه و وجه شبه محذوف است. در نتیجه خیال انگیزی و ابهام بیشتری در ذهن خواننده ایجاد میکند، زیرا با حذف ادات و وجه شبه بر همانندی طرفین تشبیه، بیشتر تاکید میشود زیرا وقتی وجه شبه و ادات ذکر میگردد تقارن و دوگانگی میان دو سوی تشبیه محسوستر است. «این نوع تشبیه را از آن جهت بلیغ میگویند که تشبیه از نظر ادباء هر قدر نامعلوم‌تر باشد مبالغه و تاکیدش بیشتر است.» (معنی و بیان، همایی، ص ۱۶۱)

ظرف من سر بسته بود و سیل بخشش تندرو / پر شد پیمانانم هر چند در کوثر زدم
(همان: ص ۲۴۵)

به هر گیاه که ابر سخات آب دهد / دهد به قاعده بار درخت طوبی را
(همان: ص ۳۳۹)

چو خصم را نرسد دست بر عروس مراد / علاج او نبود غیر افترا کردن
(همان: ص ۴۱۱)

خفاش بخت من چو نبیند چه فایده / گر سرمه ز آفتاب کشد چشم خفته را
(همان: ص ۳۲)

شحنه عشقت نشسته بر سر بازار کون / درسگاه عقل را دکان سودا ساخته
(همان: ص ۴۲۷)

باغبان دهر نخل عمر را آبی نداد / کاشتن دانسته پروردن نمیداند که چیست
(همان: ص ۷۱)

بوی نسیم فقر نظیری شنیده است / از ره به تاج و تخت فریدون نمی‌رود
(همان: ص ۱۳۶)

این نوع تشبیه نیز بسامد بالایی در دیوان دارد.

و با مطالعه دیوان میتوان در صفحات (۱۱۸-۱۲۹-۱۴۸-۳۲-۳۲۰-۲۸۶-۲۵۰-۲۳۶ و.....) نیز مشاهده کرد.

تشبیه به اعتبار ارکان	غزلیات	قصاید
مرسل	۲۵۳	۱۴۲
موکد	۳۸	۱۰
مجمل	۳۰	۱۱
مفصل	۱۹۲	۱۱۳
بلیغ	۱۲۰	۶۲

۳- تشبیه به اعتبار طرفین آن

حواس رکن اساسی در تصویر سازی بشمار میروند. «تصویر در شعر، بیانی است که به صور ذهنی حاصل از دریافت‌های حسی شاعر زندگی میبخشد، عبارت دیگر سبب میشود تا خواننده احساس کند چیزی را بگونه‌ای متمایز میبیند، لمس میکند یا میشنود» (حکایت شعر، اسکلتن:ص ۱۰۵)

الف) مشبه و مشبه به هر دو حسی

مقصود از حسیومحسوسبودن آنستکه بایک یا از حواسپنجگانه قابل حس باشد و آن یا از دیدنیها، پسودنیها و یا از شنیدنیهاست. یعنی مشبه یا مشبه به، یکی از این محسوسات باشد. (معانی و بیان، علوی مقدم ۹۴ و ۹۵)

چرا که دست تو چون ابر مایه دار آمد
تا با نصیب ساخته‌اند از حلاوتی

(همان: ۳۶۴)

همچو رطب شکافته‌اند استخوان ما
تا بوسه گه خیره مذاقان نکند دست

(همان:ص ۲۳)

دندان زدم آن ساعد چون شاخ شکر گشت
زبان بلبل شوخ از سخن نمی‌افتد

(همان:ص ۵۳)

اگرچه خورده گل همچو دُر مکنون است
چنان شکوه تو بر خصم عرصه تنگ کند

(همان: ۷۱)

که ناوک مژه در دیده بشکند چو خدنگ
این نوع تشبیه نیز بسامد بالایی در دیوان دارد. و صفحات (۲۳۳-۲۴۱-۴۰۸-۴۱۴-۳۸۹-۳۹۳-۸۴-۹۱-۳۵۵-۴۶۲ و....) دارای این نوع تشبیه هستند.

همان:ص ۳۸۶

ب) مشبه عقلی، مشبه به حسی

یکی از جنبه‌های هنری تشبیه که شاید بزرگترین و برجسته ترین جنبه باشد، همین پیوند دادن معقولات به محسوسات است. کروچه میگوید: «گفته‌اند که تصور آنگاه جنبه هنری پیدا میکند که معقولی را به محسوسی پیوند دهد.» (کلیات زیبا شناسی، کروچه، ۷۹) در این باره در صور خیال میخوانیم: «که از همه مهمتر جنبه تخیلی تصویری تشبیه است که از رهگذر تشبیه میتوان بسیاری از امور متباین و متضاد را که از نظر حسی و تجربه عقلی دور از یکدیگر قرار دارند در یک موضوع جمع کرد در واقع تشبیه باعث مجسم کردن و مثل ساختن چیزی است که خود غایب است و بطور عادی ظهور ندارند.» (شفیعی کدکنی، صورخیال، ص ۷۲)

بیشتر تشبیهات عقلی به حسی که در دیوان نظیری بکار رفته بصورت ترکیب اضافی بکار رفته است.

سوی صحرای حقیقت برد عشقم از هوس	مست می‌گشتم به قصد صید و راندم فرس (همان:ص ۱۷۲)
تیرباران ستم از پی هم چند رسد؟	ناوکی می‌کشم از سینه کمانی بمن آر (همان:ص ۱۶۰)
بر آتش قهرت ار نشانند	دل خسته مدار در توکل (همان:ص ۲۲۵)
مژه چون صف مهاجر همه معجز و کرامت	دل ما چو فرق منکر شده پایمال خنگش (همان:ص ۱۹۲)
عدل آشیان بروزن قصرش نهاده است	زان ظلم ازو چو طایر بی بال و پرست (همان:ص ۳۴۵)
هوس پروانه است اما به گرد دود می‌گردد	نظر خوبست اما دل غبارآلود می‌گردد (همان:ص ۹۳)
موج حرمان بین و در کشتی آزادی نشین	قهر دوران بین و عریانی سلاح جنگ ساز (همان:ص ۱۶۸)
دل چون شناوری که عزیزش ز کف ربود	خود را فکنده بر سر طوفان روزگار (همان:ص ۱۵۶)
دوران می‌حسرت همه در ساغر ما کرد	بر هر چه نهادیم دل از دیده جدا کرد (همان:ص ۸۶)

همچنین این نوع در تشبیه در صفحات (۴۲۷-۴۳۰-۴۴۹-۳۶۱-۳۶۵-۱۱۸-۱۳۲-۱۴۶ و...) نیز دیده میشود.

ج) مشبه حسی، مشبه به عقلی

« به لحاظ تئوری، این تشبیه نباید وجود داشته باشد چون غرض از تشبیه این است که به کمک معلومی وضع مجهولی را در ذهن روشن کنیم یعنی به کمک مشبه بهی که در صفتی اعرف و اجلی و اقوی از مشبه است حال و وضع مشبه را توصیف کنیم و بدیهی است که عقلی همیشه نسبت به حسی اخفی است. از این رو اینگونه تشبیهات، شاعر باید خود وجه شبهی را که در نظر دارد نظر دارد ذکر کند (بیان و معانی، شمیسا : ص ۳۷)

نفحات زلف جانان چو بلا مسلسل آمد که نفس ز گسست و نگسست گفتگوی
(همان:ص ۳۲۲)

تشیبیه به اعتبار طرفین	غزلیات	قصاید
حسی به حسی	۳۳۲	۱۸۷
حسی به عقلی	۲	۱
عقلی به حسی	۱۰۶	۶۲
جمع	۴۴۰	۲۵۰

۴- تشبیه به اعتبار درونمایه

الف) انسان و متعلقات آن

نظیری هم مانند شاعران دیگر، اعضای بدن انسان را مخصوصاً آنها که جلوه و زیبایی خاصی دارند در تشبیهاتش بکار برده است. اعضای مثل لب، ابرو، زلف

شرح سودای دلم را سر و سامان مطلب
کار آنست که چون زلف تو درهم باشد
(همان:ص ۱۲۴)

مژده کام به ما داد دهانش ز اول
کسی چه داند که همه هیچ بود چون کمرش
(همان:ص ۱۹۰)

گردون کند از چشم سیه از پی ملکش
چو مردمک از چشم کشندش دبران را
(همان:ص ۳۳۰)

ب) اسامی دینی

در حضرتت استاده چو موسی به سر طور
بگرفته به کف نسخه اعجاز بیان را
(همان:ص ۳۳۵)

از عیش ما مپرس نظیری خبر که ما
چون خضر لب ز چشمه نایاب شسته‌ایم
(همان:ص ۲۳۴)

گر نظیری به فلک بر شده باشد چو مسیح
بیت معمور به از کلبه ویرانش نیست
(همان:ص ۵۹)

با آنکه دعوت دو جهان میکنم چو نوح
در خانه بی رواج بود مذهبیم هنوز
(همان:ص ۱۶۵)

گردون کشیده رخت تو را چون مسیح اگر
وقتی رکاب شیر سواری گرفته‌ای
(همان:ص ۳۰۸)

چو یوسفی تو که از مصر حسن تو کسی
برون نیامده تا راه کاروان بازست
(همان:ص ۶۹)

پ) مفاهیم مجرد و انتزاعی

شاعر مفاهیم ذهنی و انتزاعی را مانند عشق - طمع و... که گزاره‌های ذهنی هستند به نمونه‌های عینی آن تخییل میکند تا هر چه بیشتر برای شنوندگان ملموس گردد و اجزا و گزاره‌های ذهنی و عینی همساز گردد. بیشترین تشبیهات نظیری در این زمینه است که مفاهیم انتزاعی را به مفاهیم محسوس و ملموس تشبیه کرده است.

کلید شادی و شمشیرغم به کف دارند به بسط بر سر صلح و به قبض در جنگند

(همان:ص ۱۱۲)

از دولت گم گشته‌ام شاید نشانی وا دهند باری به دریای امید افکنده‌ام قلاب را

(همان:ص ۹)

آه که مرغ دلم دانه صبری نیافت چند گر آب و گلم گشت پریشان او

(همان:ص ۴۱۷)

خار حسرت به دل و خنده شادی بر لب جام غم گیرم و خود نوشم و خوش باد زخم

(همان:ص ۲۳۶)

ج) ابزار و اشیا

رشک بر پیری ما چرخ و عطارد دارد پشت خم همچو کمان راست تر از تیر شدیم

(همان:ص ۲۴۶)

او چو چوگان پا زده بر فرق ما ما چو گو از زخم چوگان در سماع

(همان:ص ۲۱۳)

دوش بر سوز دل و سینه براتم دادند سر چو شمعم ببریدند و حیاتم دادند

(همان:ص ۱۲۰)

دست‌ها در گردن چون رطل مینایی کنی بو سه ها بر ساعد چون شمع کافوری زنی

(همان:ص ۳۱۳)

در نقش کارگاه جهانم نمود نیستم کز ضعف همچو رشته ز سوزن فتاده‌ام

(همان:ص ۲۵۱)

مدار از رحم روزگار چشم فراغت که همچو کیسه جراح پر ز بیشتر آمد

(همان:ص ۳۶۸)

د) حیوانات

چون سگ کهف در وفا سر به قدم نهاده‌ام فاقه کشم خبر کرا حمله کنم شکار کو؟

(همان:ص ۲۸۰)

چو شیر گاه قناعت دهان آز ببند چو باز وقت هنر بال جستجو بگشا

(همان:ص ۲۶)

چو مرغان سحرخوانست از بس ذوق فریادم	به نور صبح در شک پرتو مهتابم اندازد (همان:ص ۱۱۹)
همه از شعله چو پروانه پر انداختیم	وز طیبیدن نتوانیم که پر تازه کنیم (همان:ص ۲۴۶)
به سیل مرحمت از خاک ذلتم بردار	که همچو ماهی عطشان فتاده ام در راه (همان:ص ۴۲۶)
به خصم و دوست نکویی خوشست گو می شو	حسود کشته چو زنبور در میان عسل (همان:ص ۳۹۶)
چو بلبل قفسم من ازین چه ذوق مرا	که گل شگفته و درهای بوستان بازست (همان:ص ۶۹)

۵) طبیعت

دامن کشان چو ابر به گلزار می رود	تا آب نرگس که و برق گیاه کیست؟ (همان:ص ۷۴)
بی تو دوشم در درازی از شب یلدا گذشت	آفتاب امروز چون برق از سرای ما گذشت (همان:ص ۴۵)
چو باد از سر عالم به جهد برخیزم	اگر دمی به من از مهر همنشین گردد (همان:ص ۱۳۳)
ما چو سیل این خار از اول به پشت پا زدیم	خیمه همچون گل ز مهد غنچه بر صحرا زدیم (همان:ص ۲۳۲)
چو گل از تابشی برمی فروزی	مزاجت گرمی خو برنتابد (همان:ص ۱۳۸)

تشبیه به اعتبار درونمایه	غزلیات	قصاید
مفاهیم مجرد و انتزاعی	۱۰۷	۲۵
ابزار و اشیا	۷۰	۴۲
طبیعت	۹۹	۷۶
حیوانات	۶۳	۳۱
انسان و متعلقات آن	۹۴	۷۱
اسامی دینی و تاریخی	۷	۵
جمع	۴۴۰	۲۵۰

۵- انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید، مرکب بودن

مشبه و مشبه به بر حسب افراد و ترکیب ممکن است فرق داشته باشند و از این نظر به

چند قسم تقسیم میشوند» در تشبیه مفرد، تصور و تصویر یک هیات یا یک چیز است، در تشبیه مقید تصویر و تصور مفردی است که مقید به قیدی باشد، در تشبیه مرکب مقصود از مرکب لزوماً یک جمله یا عبارت یا مجموعه چند واژه نیست، بلکه مرکب از یک هیات انضمامی است و به قول قدما، مرکب هیات منتزع از چند واژه است. (بیان، شمیسا، ص ۷۱)

الف) مفرد به مفرد

شد لاله به خمیازه به یاد می لعلت از باده لبالب چو قدح دید دهن را
(همان: ص ۲۵)

چون سپندم بر سر آتش نظیری بی قرار گر کسی در عشق گوید هست آرامم دروغ
(همان: ص ۲۱۷)

حرارت از برای گرمیم بس‌سیار می باید دل چو مومم از سختی جدل با سنگ و رو دارد
(همان: ص ۱۴۰)

به شکر آن که حدیثی چو انگبین داری ز سایلان ترش رو شکر دریغ مدار
(همان: ص ۱۵۳)

این نوع تشبیه دارای بالاترین بسامد در دیوان است و با مطالعه دیوان میتوان در صفحات (۱۳۶-۱۳۹-۲۸-۳۷-۳۹۶-۴۰۲-۴۱۷ و) مشاهده کرد.

ب) مفرد به مقید

مشتاق التفاتم و محتاج رحمتم چو طافل شیرخوار به دامن فتاده‌ام
(همان: ص ۲۵۱)

چون کبک خرامنده به هر که گذشتی جولان تو طاووس ز رفتار برآورد
(همان: ص ۹۶)

چو خون مرده، سیه روی باد در ته پو ست دلی که بر سر پیکان و نشتر نرود
(همان: ص ۱۰۳)

هنوز دولت تو شیرخواره بود که چرخ به فکر کار تو چون دایهٔ مهربان برخاست
(همان: ص ۳۵۲)

ایا سپهر ر کابی که از عزیمت تو زمین چو قطرهٔ سیماب بیقرار آمد
(همان: ص ۳۶۳)

این نوع تشبیه در صفحات (۴۰۱-۴۰۲-۴۲۵-۳۸۸-۸۵-۶۰-۶۹-۳۶۰-۴۳۱ و) نیز وجود دارد.

پ) مقید به مفرد

عیش دیار غربت چون برق در گذار است نتوان به قید کردن ذوق گریز پا را
(همان: ص ۴)

چون گل به نسیمی دل شوریده شود چاک
هر چند که چون غنچه به چاکی نگرفتی
(همان:ص ۳۱۶)

نحفات زلف جانان چو بلا مسلسل آمد
که نفس زهم گسست و نگسست گفتگویی
(همان:ص ۳۲۲)

اجل ز بد گهران خاک را فرو بیزد
تن زمین شود از زخم تیره چون غربال
(همان:ص ۳۹۰)

همچنین این تشبیه در صفحات (۴۲۷-۳۶۸-۳۷۴-۱۴۸-۳۲-۱۱-۲۸۶-۲۷۵ و) دیده میشود.

ج) مقید به مقید

در تفاوت تشبیه مقید و مرکب باید گفت که «جمله وارهای تشبیهی از اقسام تشبیهات مرکبند و از گروه‌های تشبیهی آنهایی که از مضاف و مضاف الیه و صفت و موصوف تشکیل میشوند جز تشبیهات مقید و آنها که با «و» عطف و «میان» و «بهم» بیابند جز تشبیهات مرکبند.» (درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد: ص ۴۴۵)

به بزم مملکتش عامل گرسنه قلم
به گرد سفره نگردد چو گربه ز هاد
(همان:ص ۳۶۱)

حریم خاک چو قربانگه منا دیدم
که هر طرف نگری صید بسمل افتاد ست
(همان:ص ۶۴)

زبان بلبل شوخ از سخن نمی افتد
اگر چه خورده گل همچو دُر مکنون است
(همان:ص ۷۱)

ز بس که کا ستهام کسی نمی کند احساس
تن نزار مرا زیر پا چو نقش گلیم
(همان:ص ۴۰۲)

این تشبیه در صفحات (۲۷۹-۲۴۷-۲۵۰-۳۹۵-۴۱۲-۳۱۴-۲۰ و.....) نیز وجود دارد.

د) مرکب

«هنری ترین وجه شبه آن است که از مشبه به مرکب اخذ میشود، هیئت حاصله از امور متعدد است و به اصطلاح منتزع از چند چیز است، یعنی تابلو و تصویری که از مجموع جزئیات گوناگون حاصل میشود و فقط اذهان ورزیده و مانوس به شعر قادر به لذت بردن از آنند و بدین لحاظ ممکن است ذهنی نسبت به ذهن دیگر جزئیات بیشتری از تصویر را دریابد.» (بیان، شمیسا، ص ۱۰۷)

نکته مهم این است که در تشبیه مرکب نباید اجزا را بصورت منفرد و جدا در نظر بگیریم چرا که در آن صورت تشبیه مرکب بی معنی میشود مقصود اصلی در تشبیه مرکب پیوند دو یا چند چیز در مشبه و مشبه به است.

چکان ز شورش مغزش به کاکلش مستی	چو رشحه‌ای که به سنبل چکد ز فرق نهال (همان:ص ۳۸۹)
تمنایش چو گردد گرد خاطر مضطرب کردم	چو محتاجی که گردد در سرایش میهمان پیدا (همان:ص ۲۵)
ز حرمانم غمی در خاطر یاران شود پیدا	چو بیماری که مرگش بر پرستاران شود پیدا (همان:ص ۲۳)
شب از خیال وصل تو خوابم نمی‌برد	چو کودکان ز خوشدلی روز عید خویش (همان:ص ۲۰۱)
محبت تو در اجزای آفرینش دهر	چو روغنست نهان گشته در طبیعت شیر (همان:ص ۳۸۲)
سخن ز دیدن او جهد به خاطر من	چو گر به های ز باد پلنگ در آغال (همان:ص ۳۹۱)

همچنین این نوع تشبیه را میتوان در صفحات (۱۶-۱۷۲-۱۳۷-۱۴۴-۱۳۴-۱۱۵-۳۸۵-۱۸۷-۳۱۷-۳۳۵-۳۳۷-۳۴۶-۳۴۹-۹۵ و...) مشاهده کرد.

تشبیه به اعتبار مفرد / مرکب	غزلیات	قصاید
مفرد به مفرد	۲۴۰	۹۵
مفرد به مقید	۷۲	۶۶
مقید به مفرد	۳۵	۲۰
مقید به مقید	۶۹	۵۸
مرکب	۲۴	۱۱
جمع	۴۴۰	۲۵۰

نتیجه

نظیری را شاعر درویش سیرت و صوفی مشرب می‌شناسند که علم شاعری را در خراسان برافراشت و صیت سخنانش را به گوش شاعران فارس و عراق رسانید. نظیری از ابزار تشبیه و تمثیل در جهت انتقال مفاهیم و پیامهای مختلف به مخاطب بسیار استفاده کرده، تنوع عناصر بکار رفته در تشبیهات نشانگر وسعت قلمرو اطلاع و معرفت شاعر در زمینه‌های مختلف است.

مواد تصاویر نظیری در تشبیهات هم جنبه انتزاعی دارند که از آنها با نام عناصر معنوی یاد میشود هم جنبه طبیعی و حسی که مربوط به طبیعت اطراف او میشود اما شاعر از مفاهیم انتزاعی بیشترین بهره را برده است. بیشترین تشبیهات که در آن از مفاهیم انتزاعی

بهره برده است بصورت تشبیه اضافی بکار برده است همچنین شاعر از عناصر طبیعی و ابزار و اشیا به وفور در تشبیهات خود بهره برده است. به کار بردن اسامی دینی و قرآنی مانند اسامی پیامبران و اشاره به داستانهای کهن فارسی نشانگر سطح بالای علمی شاعر است. تشبیه به لحاظ ارکان، شاعر بیشتر به تشبیهات بلیغ و مرسل و مفصل گرایش دارد. و تشبیه مجمل کمترین بسامد را در دیوان شاعر برخوردار است. از لحاظ شکل تشبیه، تشبیهات مضمّر، مشروط و معکوس در دیوان دارای کمترین بسامد هستند به گونه‌ای که در غزلیات و قصاید مورد بررسی ما این تشبیهات دیده نشده است. نظیری از انواع تشبیهات مفرد و مقید و مرکب در دیوان خود بهره برده است و تشبیهات مفرد به مفرد بسامد بالایی در دیوان شاعر دارند. همچنین شاعر از تشبیهات حسی به حسی و عقلی به حسی در دیوان خود بهره برده است و تشبیه عقلی به عقلی دارای کمترین بسامد است.

منابع

- بلاغت تصویر، فتوحی، محمود، ۱۳۹۳، تهران، سخن
- بیان، شمیسا، سیروس، ۱۳۹۲، تهران، میترا
- بیان و معانی، شمیسا، سیروس، ۱۳۷۵، تهران، فردوس
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله، ۱۳۷۸، تهران، انتشارات فردوس - ۴
- تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین، اوحدی دقاقی بلیانی، ۱۳۳۸، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر
- تذکره هفت اقلیم، رازی، امین احمد، ۱۳۷۸، تصحیح محمدرضا طاهری، تهران، سروش
- تذکره میخانه، فخرالزمانی قزوینی، عبدالعلی، ۱۳۶۷، به اهتمام احمد گلچین معانی، تهران، اقبال
- تذکره ریاض الشعراء، واله داغستانی، علیقلی، ۱۳۸۴، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر
- تذکره ریاض العارفین، هدایت، رضا قلی خان، ۱۳۸۵، تصحیح ابوالقاسم رادفر- گیتا اشیدری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- تذکره آتشکده آذر، آذر بیگدلی، لطفعلی خان، ۱۳۷۷، تصحیح سید جعفر شهیدی، نشر روزنه
- حکایت شعر، اسلکتن، رابین، ترجمه مهرانگیز واحدی، ۱۳۷۵، تهران، میترا
- دری به خانه خورشید، حبیب، اسدالله، ۲۰۱۰، بلغاریه، مرکز نشر اینفورماپرنت

- دیوان اشعار نظیری نیشابوری، محمدحسین، ۱۳۸۹، تصحیح محمدرضا طاهری، تهران، نگاه
- ریحانه‌الادب، مدرس تبریزی، محمدعلی، ۱۳۷۴، تهران، خیام
- زبان تصویر، فضیلت، محمود، ۱۳۹۰، تهران، زوار
- ساختار و تاویل متن، احمدی، بابک، ۱۳۸۸، تهران، نشر مرکز
- سفر در مه، پورنامداریان، تقی، ۱۳۸۱، تهران، نگاه
- شعر العجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران، شبلی نعمانی، ترجمه فخر داعی گیلانی ج ۳، تهران، دنیای کتاب
- فن شعر، ارسطو، ۱۳۶۹، ترجمه عبدالحسین زرین کوب، تهران، امیرکبیر
- کاروان هند، گلچین معانی، احمد، ۱۳۶۹، تهران، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
- کلیات زیبا شناسی، کروچه، بند تو، ۱۳۴۴، ترجمه فواد روحانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۰، تهران، آگه
- مآثر رحیمی، عبدالباقی نهاوندی، ۱۳۸۱، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، انجمن آثار و مفاخر ایرانی
- معانی و بیان، همایی، جلال‌الدین، بکوشش ماهدخت بانو، ۱۳۷۳، تهران، نشر هما
- معانیوبیان، علوی مقدم و اشرفزاده ۱۳۷۶ چاپ اول، تهران، سمت
- نامه باستان، کزازی، میرجلال‌الدین ج ۱، ۱۳۷۹، تهران، سمت- ۲۶